

خاطرات جالب عروس امام از وقت‌شناسی امام

۱۴ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۲۰:۵۳

امام در پاسخ به اصرارم که به بیان خاطره ادامه دهید توصیه به برنامه ریزی کرد و گفت وقت خوابم است. در جواب قیاس نفسم که گفتم فکرتان پریشان می‌شود نمی‌توانید بخواهید فرمودند: دخترم من اگر نخواهم فکر کنم، فکر نمی‌کنم.

فاطمه طباطبایی همسر سید احمد خمینی می‌گوید: یکی از سرگرمی‌های جالب و جذاب ما در شب‌های نجف، شنیدن خاطراتی از زبان امام و خانم بود.

به درخواست ما امام هر شب پانزده دقیقه خاطراتی را تعریف می‌کردند. خاطرات نابی که از هیچ منبع دیگری نمی‌توانستیم بشنویم.

هر شب پس از شام پشت کرسی، که با گرمای یک لامپ چهل وات گرم می‌شد، از شنیدن آن خاطرات بهره می‌بردیم.

گاهی مطلب به جای حساس و جالبی می‌رسید، اما زمان پانزده دقیقه تمام می‌شد و آقا با نگاه به ساعت زمان خواب را اعلام می‌کردند و در پاسخ ما که می‌خواستیم مطلب را ادامه دهند، می‌گفتند: کارهایتان را با برنامه‌ریزی انجام دهید، تا موفق به انجام همه آنها شوید.

یک بار من قیاس به نفس کردم و گفتم: این گونه که پیداست شما خوابتان نمی‌آید و اگر به رختخواب بروید فکرتان آشفته می‌شود و دیر به خواب می‌روید، پس صحبت را ادامه دهید تا خوابتان بگیرد. ایشان در حال برخاستن گفتند: دخترم من اگر نخواهم فکر کنم، فکر نمی‌کنم. من آن زمان به ژرفای این مطلب پی نبردم که چگونه انسان بر قوای خود تا این اندازه می‌تواند چیره باشد.

منبع: کتاب اقلیم خاطرات دکتر فاطمه طباطبایی همسر سید احمد خمینی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/27066/آءاآراة-آاب-عروس-آاب-آاآراة/27066>